فصلنامه علمی علوم حدیث
سال بیست و هشتم شماره ۱ (پیاپی ۱۰۷)
بهار، ص ۷۲ ـ ۸۸

Ulumhadith
Twenty-seventh No 1
Spring (March2023-May2023)

بازشناسی شخصیت «ابن أبی جِید»، اثبات وثاقت و نقش‌آفرینی وی در انتقال تراث حدیثی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۲۵
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۲۹

جواد نفری[۱]
علی عندلیبی[۲]
مهدی غلامعلی[۳]

چکیده

معرفی علی بن احمد ابن ابی جِید، وثاقت و نقش‌آفرینی وی در انتقال تراث حدیثی در سده چهارم هجری مسألی است که این پژوهش را سامان داده است. جایگاه ویژه وی در تراث پژوهی، حضورش در اسناد روایات مهمی چون زیارت عاشورا، پرورش شاگردانی بسانِ نجاشی و طوسی و فقدان توثیق خاص بر اهمیت این پژوهش می‌افزاید. این نوشتار به شیوه کتابخانه‌ای و روش تحلیلی و تطبیقی، با مطالعه موردی فهارس نجاشی و طوسی سامان یافته است. دستاورد این پژوهش را می‌توان نخست در شناسایی نقش ابن ابی جید در انتقال افزون بر سیصد اثر حدیثی از یکصد و سی شش راوی و اجازه نقل دویست کتابِ مشهور از چهل و چهار راوی دانست. همچنین برای نخستین بار با تکیه بر سه قاعده از قواعد توثیقات عام (توثیق مشایخ نجاشی، توثیق مشایخ اجازه و اکثار أجلا)، روش فهرستی و مسأله شهرت راوی، وثاقت ابن ابی جید را اثبات و نقش پررنگ وی را در انتقال تراث حدیثی بَرنموده‌ایم.

کلیدواژه‌ها: ابن ابی جید، مشایخ نجاشی، وثاقت، فهارس امامیه، انتقال تراث حدیثی.

۱. درآمد

«علی بن احمد ابن أبی جِید قمی»، از محدثان بزرگ شیعه در سده چهارم هجری است.

۱. عضو هیئت علمی گروه معارف دانشگاه آزاد اسلامی واحد بویین زهرا (نویسنده مسئول) (j_nafari@yahoo.com).
۲. استاد درس خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم و عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه (andalibi3@yahoo.com).
۳. عضو هیئت علمی دانشگاه قرآن و حدیث قم (mahdigh53@gmail.com).

بررسی وثاقت و بازشناسی جایگاه علمی و حدیثی این محدث، دغدغه‌ای است که این قلم را به پژوهش تهییج کرده است. عدم توثیق خاص وی در منابع رجالی کهن، حضور او را در نقل روایات تأمل‌برانگیز کرده است. اهمیت این پژوهش از آن رو است که «ابن ابی جِید» واسطه نقل ده‌ها کتاب از تراث امامیه و اصول اولیه حدیثی به نسل پسین خویش است. در کتاب‌های فهارس نجاشی و طوسی بیش از یکصد مورد از وی نقل شده است. همچنین وی استاد بسیاری از بزرگان رجالی و حدیثی، مانند شیخ نجاشی و شیخ طوسی است[1] و در اسناد روایات مهم و برخی از ادعیه و زیارات مانند زیارت عاشورا حضور دارد.[2]

در نوشتار پیش رو، ضمن بازکاوی شخصیت «ابن ابی جِید»، وبَرشمردن نقش فهرستی وی با بیان ادله توثیق عام و نظرگاه فهرستی سعی در توثیق وی داریم.

۲. شخصیت رجالی ـ حدیثی ابن أبی جِید

ابوالحسین علی بن احمد بن محمّد بن طاهر اشعری، مشهور به «ابن ابی جِید» قمی(زنده در قرن چهارم هجری) منسوب به خاندان اشعری قم است.[3] محمّد بن حسن بن ولید قمی،[4] علی بن احمد دلال قمی[5] و احمد بن محمّد بن یحیی[6] (فرزند محمّد بن یحیی عطار قمی) از مهم‌ترین اساتید وی به شمار می‌آیند.

ابن ابی جید قمی در حدود سال ۳۸۰ ق، از قم هجرت کرد و به شهر بغداد رفت. در این شهر بود که نجاشی(م ۴۵۰ق) و شیخ طوسی(م ۴۶۰ق) به محضر این استاد بزرگ حدیث شتافتند. این محدث بیشتر عمر خود را در سده چهارم هجری سپری کرده است.

در بازخوانی فهارس امامیه نام ابن ابی جید به عنوان یک شخصیت پرتلاش و مؤثر در

۱. معجم رجال الحدیث، ج۱۲، ص۲۷۷

۲. مصباح المتهجد، ص۶۳۶. سند را از صالح بن عقبه و سیف بن عمیره نقل می‌کند و آن دو از علقمه حضرمی و با توجه به فاصله زمانی ایشان با صالح بن عقبه واسطه خود تا ایشان را در کتاب فهرست نقل کرده است. در این نقل، ابن ابی جید به عنوان استاد ایشان در سند واقع شده و برای اثبات صحت طرق شیخ و در نتیجه صحت این سند از زیارت عاشورا بررسی وثاقت ایشان از اهمیت زیادی برخوردار است (الفهرست، ص۴۷، ش۳۶۲).

۳. تنقیح المقال، ج۲، ص۲۶۷؛ ریحانة الادب، ج۷، ص۳۳۲؛ قاموس الرجال، ج۷، ص۲۶۷ و ۳۶۱؛ رجال النجاشی، ص۱۰۴ و چند منبع دیگر.

۴. رجال النجاشی، ص۳۸۳، ش۱۰۴۲؛ فهرست الطوسی، ص۴۴۲، ش ۷۰۹؛ رجال الطوسی، ص۴۳۹، ش ۶۲۷۳.

۵. قاموس الرجال، ج۷، ص۳۶۱؛ الغیبة(طوسی)، ص۲۹۳ و ۳۶۵.

۶. طبقات الفقهاء، ج۴، ص۹۵؛ فهرست الطوسی، ص۱۴۵ و ۱۴۶.

انتقال بسیاری از تراث همواره تابناک است و به جرأت می‌توان نقش وی را در انتقال تراث محدثان سده چهارم و پیش از آن، به طبقه محدثان سده پنجم، ممتاز ارزیابی کرد

۳. نقش ابن ابی جید در انتقال تراث امامیه

نجاشی و شیخ طوسی آثار حدیثی یکصد و هفتاد نویسنده (چهل و چهار نفر در رجال النجاشی و یکصد و بیست و شش در فهرست الطوسی) را از ابن ابی جید گزارش کرده‌اند. از آنجا که برخی از نویسندگان، مانند ابن ابی عمیر، حسین بن سعید و صفوان بن یحیی ده‌ها کتاب نوشته‌اند، می‌توان مدعی شد که وی چند صد کتاب را سماع و یا قرائت کرده بود و به نسل بعد از خود نیز آن‌ها را منتقل ساخته بود.

در نوشتار پیش رو، معیار بازشناسی کتاب‌های مشهور، گاه تصریح فهارس‌نگاران و گاه عباراتی بود که به اذعان محققان برای شناسایی آثار پُرمراجعه و مشهور قابل اعتماد است. برخی از الفاظ گویای شهرت آثار عبارت‌اند از: «له کتاب کثیر الروایة، له کتاب یرویه جماعة، له کتاب یرویه عدة من اصحابنا، له کتاب بروایات کثیرة، له کتاب رواه غیر واحد و رواه هذا الکتاب کثیرون». در مقابل، عباراتی نظیر «له کتاب لم یروه الا فلان» بیانگر عدم شهرت یک اثر است.[۱]

۴. ابن ابی جید راوی کتاب‌های مشهور

نام ابن ابی جید در طریق کتاب‌های مشهور سی و چهار نویسنده به چشم می‌خورد. از این تعداد، آثار مشهور دوازده راوی در رجال النجاشی است که عبارت‌اند از: ابراهیم بن ابی البلاد،[۲] اسحاق بن یزید کوفی،[۳] بسطام بن سابور،[۴] ثابت بن شریح،[۵] حفص بن غیاث،[۶] زکریا بن آدم،[۷] زُرعة بن محمّد،[۸] علی بن مهزیار،[۹] علی بن النعمان،[۱۰] علی بن شجره،[۱۱] علی بن حسان الواسطی[۱۲] و محمّد بن سهل بن الیسع.[۱۳]

نجاشی بیشتر این نویسندگان را توثیق کرده و آثار برخی از ایشان را، مانند علی بن

---

۱. رجال النجاشی، مقدمه، ص۱۸.
۲. همان، ص۲۲.
۳. همان، ص۷۲.
۴. همان، ص۱۱۰.
۵. همان، ص۱۱۶.
۶. همان، ص۱۳۴.
۷. همان، ص۱۷۴.
۸. همان، ص۱۷۶.
۹. همان، ص۲۵۳.
۱۰. همان، ص۲۷۴.
۱۱. همان، ص۲۷۴.
۱۲. همان، ص۲۷۴.
۱۳. همان، ص۲۷۶.
۱۴. همان، ص۳۶۷.

مهزیار، مشهور ارزیابی کرده است.[۱] وی از کتاب‌های زکریا بن آدم و ثابت بن شریح با عبارات «اخبرنی غیرواحد»[۲] و «یرویه عنه جماعات من الناس»[۳] تعبیر کرده که نشانگر شهرت این آثار در آن دوره بوده که گویی شمارگان بازخوانی و تکثیر آن قابل توجه بوده است. نجاشی تمام کتاب‌های این مؤلفان را از استادش «ابن ابی جید» شنیده است.

شیخ طوسی نیز از کتاب‌های بیست و دو نفر از محدثان یاد کرده است که بر اساس معیار پیش‌گفته، از کتاب‌های مشهور در دوره متقدمان به شمار می‌آمده‌اند. در طریق شیخ طوسی به تمام این کتاب‌ها نام استادش «ابن ابی جید» به چشم می‌خورد. مؤلفان این آثار مشهور عبارت‌اند از: احمد بن محمّد بن ابی نصر بزنطی (کتاب الجامع)،[۴] احمد بن محمّد بن خالد برقی (مجموعه کتاب‌ها)،[۵] احمد بن الحسین بن سعید بن حماد (کتاب الاحتجاج)،[۶] احمد بن عبدوس الخلنجی (کتاب النوادر)،[۷] احمد بن النضر الخزاز،[۸] حسن بن محبوب (کتاب‌های متعدد)،[۹] حسن بن علی بن فضال،[۱۰] حسین بن سعید اهوازی (تمام کتاب‌های سی‌گانه)،[۱۱] حماد بن عیسی،[۱۲] حکم بن حکیم،[۱۳] زید شَحّام،[۱۴] سعدان بن مسلم،[۱۵] صفوان بن یحیی (کتاب‌های متعدد، حدود سی اثر)،[۱۶] علی بن حَکَم،[۱۷] محمّد بن ابی عمیر (بیش از نود کتاب)،[۱۸] محمّد بن حسن صفار قمی،[۱۹] محمّد بن احمد بن یحیی اشعری قمی،[۲۰] معمر بن خلاد،[۲۱] نصر بن مزاحم المنقری،[۲۲] هشام بن سالم،[۲۳] یحیی

۱. همان، ص۲۵۳.
۲. همان، ص۱۷۴.
۳. همان، ص۱۱۶.
۴. فهرست الطوسی، ص۶۱.
۵. همان، ص۶۲.
۶. همان، ص۶۵.
۷. همان، ص۶۸.
۸. همان، ص۸۱.
۹. همان، ص۹۶.
۱۰. همان، ص۹۷.
۱۱. همان، ص۱۱۲.
۱۲. همان، ص۱۱۵.
۱۳. همان، ص۱۱۶.
۱۴. همان، ص۱۲۹.
۱۵. همان، ص۱۴۰.
۱۶. همان، ص۱۴۵.
۱۷. همان، ص۱۵۱.
۱۸. همان، ص۲۱۸.
۱۹. همان، ص۲۲۰.
۲۰. همان، ص۲۲۱.
۲۱. همان، ص۲۵۲.
۲۲. همان، ص۲۵۴.
۲۳. همان، ص۲۵۷.

بن عمران[1] و یونس بن عبد الرحمن (کتاب‌های متعدد).[2]

با توجه به این‌که برخی از نویسندگان فوق مؤلف ده‌ها اثر حدیثی هستند، می‌توان مدعی شد که ابن ابی جید در طریق ده‌ها کتاب مشهور، مانند کتب علی بن مهزیار، کتب محمّد بن الحسن بن فروخ،کتاب الجامع احمد بن محمّد بن ابی نصر بزنطی، کتب ابن خالد برقی، کتب حسن بن محبوب، کتب صفوان بن یحیی، کتب حسین بن سعید اهوازی، جمیع کتب محمّد بن الحسن الصفار و جمیع کتب یونس بن عبد الرحمن قرار داشته است.

به نظر می‌رسد، با توجه به کتب پیشینیان ابن ابی جید در طریق کتاب‌های غیرمشهور، حضور فعال‌تری دارد. گویی وی پیوسته علاقه‌مند سماع، قرائت و اجازه آثار مکتوب پیشینیان بوده است. تلاش در این عرصه، بزرگانی چون نجاشی و طوسی را برآن داشته است که بهترین اسناد به کتب پیشینیان را از وی دریافت کنند که ذکر برخی از آن‌ها در سطور قبل گذشت.

نام ابن ابی جید در انتقال کتاب‌های یکصد و سی و شش نویسنده در دو کتاب رجال النجاشی(۳۲ نفر)[3] و فهرست الطوسی (۱۰۴ نفر)[4] آمده ←

---

۱. همان، ص ۲۶۰. ۲. همان، ص ۲۶۶.

۳. ر.ک: رجال النجاشی، ص۸، ش۴ (سلیم بن قیس)، ص۲۲، ش۳۲ (ابراهیم بن ابی البلاء)، ص۲۳، ش۳۴ (ابراهیم بن رجاء شیبانی)، ص۲۴، ش۴۲ (ابراهیم بن محمّد الاشعری)، ص۲۷، ش۵۲ (اسماعیل بن آدم)، ص۳۲، ش ۷۱ (اسماعیل بن جابرالجعفی)، ص۵۴، ش۱۲۳ (الحسین بن المختار)، ص۵۵، ش۱۲۵ (الحسین بن ثویر)، ص۵۶، ش ۱۳۰ (الحسین بن سیف)، ص۶۴، ش ۱۵۰ (الحسن بن حمزه)، ص۷۲، ش ۱۷۲ (اسحاق بن یزید)، ص۷۷، ش۱۸۳ (احمد بن الحسین بن سعید)، ص ۱۱۰، ش ۲۸۰ (بسطام بن سابور)، ص۱۱۶، ش۲۹۷ (ثابت بن شریح)، ص ۱۲۱، ش۳۱۲ (جعفربن سلیمان القمی)، ص۱۳۴، ش۳۴۶ (حفص بن غیث)، ص۱۳۶، ش۳۴۹ (حفص بن عاصم)، ص۱۴۹، ش۳۸۹ (خالد بن جریر)، ص۱۷۴، ش۴۵۸ (زکریا بن آدم)، ص۱۷۶، ش۴۶۶ (زرعه بن محمّد)، ص۱۸۹، ش۵۰۳ (سلام بن عبد الله)، ص۲۱۳، ش۵۵۷ (عبد الله بن میمون)، ص ۲۴۰، ش۶۳۷ (عبد الملک بن هارون)، ص۲۵۳، ش۶۶۴ (علی بن مهزیار)، ص۲۷۴، ش۷۱۹ (علی بن نعمان)، ص ۲۷۴، ش ۷۲۰ (علی بن شجره)، ص۲۷۶، ش۷۲۶ (علی بن حسان الواسطی)، ص ۲۸۰، ش۷۴۲ (العباس بن موسی)، ص۲۸۴، ش۷۵۴ (عمربن عبد العزیز)، ص۲۹۶، ش۸۰۵ (عیسی بن عبد الله بن سعد)، ص ۳۱۰، ش۸۴۷ (الفضیل بن عیاض)، ص۳۱۴، ش۵۸۸ (القاسم بن سلیمان)، ص۳۱۹، ش۸۴۷ (کلثوم بنت سلیم)، ص ۳۴۰، ش۹۱۲ (محمّد بن بندار)، ص۳۵۴، ش۹۴۸ (محمّد بن الحسن بن فروخ)، ص۳۵۶، ش۹۵۴ (محمّد بن عبد الله الهاشمی)، ص۳۶۴، ش ۹۸۱ (محمّدبن عمربن یزید)، ص۳۶۷، ش۹۹۶ (محمّد بن سهل بن الیسع)، ص۳۶۹، ش ۱۰۰۱ (محمّد بن عمربن سعید)، ص۳۸۳، ش۱۰۴۲ (محمّد بن الحسن بن احمد بن الولید)، ص ۴۲۱، ش۱۱۲۹ (منبه بن عبد الله)، ص۴۵۸، ش ۱۲۵۰ (ابو حیون)، ص۴۵۸، ش ۱۲۵۱ (ابو حبیب النباجی)، ص۴۵۹، ش ۱۲۵۲ (ابو الجوزاء التمیمی)،

۴. ر.ک: فهرست الطوسی، ص۳۶، ش۷ (ابراهیم بن محمّد)، ص۳۹، ش۹ (ابراهیم بن اسحاق)، ص ۴۱، ش۱۳ (ابراهیم بن عثمان)، ص ۴۱، ش۱۴ (ابراهیم بن محمّد الاشعری)، ص۴۳، ش ۲۱ (ابراهیم بن مهزم الاسدی)، ص ۴۲، ←

→ ش۲۲ (ابراهیم بن ابی الابلاء)، ص۵۱، ش۳۸ (اسماعیل بن زیاد السکونی)، ص۵۱، ش۳۹ (اسماعیل بن عبد الخالق)، ص۵۱، ش۴۰ (اسماعیل بن ابان)، ص۵۳ ش۴۹ (اسماعیل بن جابر)، ص۵۴، ش۵۳ (اسحاق بن جریر)، ص۵۵، ش۵۴ (اسحاق بن آدم)، ص۵۹، ش۶۲ (ابان بن عثمان)، ص۶۱، ش۶۳ (احمد بن محمّد بن ابی نصر البزنطی)، ص۶۲، ش۶۵ (احمد بن محمّد بن خالد برقی)، ص۶۵، ش۶۷ (احمد بن الحسین بن سعید)، ص۶۸، ش۷۴ (احمد بن عبدوس الخلنجی)، ص۶۹، ش۷۶ (احمد بن ابی زاهر)، ص۷۰، ش۷۸ (احمد بن اسحاق بن عبد الله)، ص۸۱، ش۱۰۱ (احمد بن النضر الخزار)، ص۸۲، ش۱۰۲ (احمد بن عبید الله بن یحیی بن خاقان)، ص۸۲، ش۱۰۳ (احمد بن عمر الحلال)، ص۸۵، ش۱۱۹ (اصبغ بن نباته)، ص۸۶، ش۱۲۰ (ادریس بن عبد اللهبن سعد الاشعری)، ص۸۶، ش۱۲۳ (اسباط بن سالم)، ص۸۸، ش۱۲۶ (بکربن محمّد الازدی)، ص۸۸، ش۱۲۷ (بکربن صالح الرازی)، ص۸۹، ش۱۳۵ (بریه النصرانی)، ص۹۱، ش۱۴۰ (ثابت بن شریح)، ص۱۴۲، ش۹۲ (جعفربن بشیر البجلی)، ص۹۴، ش۱۵۵ (جمیل بن صالح)، ص۹۵، ش۱۵۸ (جابربن یزید الجعفی)، ص۹۵، ش۱۵۹ (جارود بن منذر)، ص۹۶، ش۱۶۲ (حسن بن محبوب)، ص۹۷، ش۱۶۳ (حسن بن الجهم)، ص۹۷، ش۱۶۴ (حسن بن علی بن فضال)، ص۹۹، ش۱۷۲ (حسن بن موسی)، ص۱۰۲، ش۱۸۵ (حسن بن علی بن حمزه)، ص۱۰۴، ش۱۹۶ (حسن بن راشد)، ص۱۰۸، ش۲۰۷ (حسین بن علوان)، ص۱۱۲، ش۲۳۰ (حسین بن سعید اهوازی)، ص۱۱۳، ش۲۳۱ (حسین بن ثویر)، ص۱۱۵، ش۲۴۰ (حماد بن عثمان)، ص۱۱۵، ش۲۴۱ (حماد بن عیسی)، ص۱۱۷، ش۲۴۸ (الحکم بن حکیم)، ص۱۱۹، ش۲۵۱ (حجربن زائده) ص۱۲۲ ش۲۶۵ (الحارث بن المغیره)، ص۱۲۲، ش۲۶۶ (خالد بن ماد)، ص۱۲۶، ش۲۸۴ (داود بن فرقد)، ص۱۲۶، ش۲۸۵ (داود بن سرحان)، ص۱۲۷، ش۲۸۹ (ذریح المحاربی)، ص۱۲۷، ش۲۹۰ (ربیع بن محمّد)، ص۱۲۹، ش۲۹۶ (رفاعه بن موسی)، ص۱۲۹، ش۲۹۸ (زید الشحام)، ص۱۳۲، ش۳۱۲ (زکریا المومن)، ص۱۳۲، ش۳۰۸ (زکریا بن آدم)، ص۱۳۴، ش۳۱۳ (زرعه بن محمّد)، ص۱۳۸، ش۳۲۶ (سلیمان بن داود)، ص۱۳۸، ش۳۲۷ (سلیمان الدیلمی)، ص۱۳۹، ش۳۳۰ (سوید القلاء)، ص۱۴۰، ش۳۳۴ (سلمه بن الخطاب)، ص۱۴۰، ش۳۳۶ (سعدان بن مسلم)، ص۱۴۱، ش۳۳۷ (سالم بن مکرم)، ص۱۴۲، ش۳۳۸ (سلمان الفارسی)، ص۱۴۲، ش۳۳۹ (سهل بن زیاد الادمی)، ص۱۴۲، ش۳۴۰ (سهیل بن زیاد)، ص۱۴۳، ش۳۴۶ (سلیم بن قیس الهلالی)، ص۱۴۴، ش۳۵۰ (شعیب بن یعقوب)، ص۱۴۵، ش۳۵۶ (صفوان بن یحیی)، ص۱۴۷، ش۳۵۷ (صفوان بن مهران)، ص۱۴۷، ش۳۶۱و ۳۶۲(صالح بن عقبه و صالح بن ابی الاسود)، ص۱۴۸، ش۳۶۳ (صالح بن سعید)، ص۱۴۹، ش۳۷۱ (طلحه بن زید)، ص۱۵۰، ش۳۷۳ (ظریف بن ناصح)، ص۱۵۱، ش۳۷۶ (علی بن الحکم)، ص۱۵۳، ش۳۸۱ (علی بن محمّد بن سعد اشعری)، ص۱۶۳، ش۴۲۶ (علی بن عبد الله)، ص۱۶۷، ش۴۳۷ (عبد الله بن الحکم)، ص۱۶۷، ش۴۳۸ (عبد الله بن محمّد المزخرف)، ص۱۶۷، ش۴۳۹ (جعفر الحمیری القمی)، ص۱۶۸، ش۴۴۱ (عبد الله بن یحیی الکاهلی)، ص۱۶۸، ش۴۴۲ (عبد الله بن میمون)، ص۱۷۲، ش۴۵۳ (عبد الله بن جبله)، ص۱۷۴، ش۴۶۴ (عبد الله بن قاسم الحضرمی)، ص۱۷۴، ش۴۶۵ (عبد الله بن محمّد)، ص۱۷۵، ش۴۶۸ (عبد الله بن عبد الله الدهقان)، ص۱۷۹، ش۴۸۲ (عبد الملک بن عنتره الشیبانی)، ص۱۸۰، ش۴۸۷ (عمرو بنسعید الزیات)، ص۱۸۷، ش۵۱۷ (عیسی بن عبد الله القمی)، ص۱۸۹، ش۵۲۴ (عیسی بن عبد الله الهاشمی)، ص۱۹۲، ش۵۴۴ (عنبسه بن بجاد العابد)، ص۱۹۳، ش۵۴۷ (العیص بن القاسم)، ص۲۰۱، ش۵۷۲(فضل بن عبد الله)، ص۵۸۲، ش۲۰۳ (کلیب بن معاویه الاسدی)، ص۲۰۵، ش۵۸۶ (محمّد بن علی الحلبی)، ص۲۰۶، ش۵۹۲ (محمّد بن سلیمان الدیلمی)، ص۲۰۷، ش۵۹۳ (محمّد بن عمر الزیات)، ص۲۱۵، ش۶۰۶ (محمّد بن عمربن یزید)، ص۲۱۵، ش۶۰۸ (محمّد بن سالم بن ابی سلمی)، ص۲۱۸، ش۶۱۷ (محمّد بن ابی عمیر)، ص۲۲۰، ش۶۲۱ (محمّد بن الحسن الصفار)، ص۲۲۱، ش۶۲۲ (محمّد بن احمد بن یحیی بن عمران)، ص۲۲۴، ش۶۲۹ (محمّد یکنی ابا حاتم)، ص۲۲۵، ش۶۳۰ (محمّد بن عبد الجبار)، ص۲۲۵، ش۶۳۲ (محمّد بن فضیل الازرق)، ص۲۳۵، ←

← است.[1] گفتنی است که شیخ طوسی در کتب حدیثی نیز از ابن ابی جید حدیث نقل کرده است.[2]

۵. قراینی بر وثاقت ابن ابی جید

اگرچه در جای جای دو کتاب فهرست نجاشی و شیخ طوسی نام «ابن ابی جید» در سلسله طرق کتاب‌های حدیثی به چشم می‌خورد، اما با کمال تأسف مدخلی درباره وی در این کتاب‌ها دیده نمی‌شود. عدم یادکرد از وی در کتاب‌های فهارس شاید از آن رو باشد که وی نویسنده نبوده است و تنها به عنوان راوی آثار پیشینیان به شمار می‌آمده است؛ اما در منابع رجالی کهن نیز توثیق و یا یادکردی به عنوان یک مدخل دیده نمی‌شود.

خوشبختانه شماری از رجالیان متأخر از وی به بزرگی یاد کرده و ابن ابی جید را توثیق کرده‌اند؛ اما مستندی برای این توثیقات ارائه نکرده‌اند. به نظر می‌رسد از راه گردآوری قراین و توثیقات عام پی به توثیق وی برده‌اند. به عنوان نمونه میرزا محمّد بن علی استرآبادی (م۱۰۲۸ق) می‌نویسد:

> از سخن تمام عالمان شیعی بدست می‌آید که همگی بر این محدث قمی اعتماد دارند و روایاتی را که از او نقل شده، به عنوان روایات صحیح و یا حسن به شمار می‌آورند».[3]

سید محمّد میرداماد، به مناسبتی در تجلیل گروهی از محدثان شیعی می‌نگارد: «این نکته را خوب بدان که فقیهان و محدثان سده‌های سوم و چهارم هجری قمری مشایخ و

← ش۷۰۵ (محمّد بن مبشر)، ص۲۳۶، ش۷۰۶ (محمّد بن اسماعیل بن بزیع)، ص۲۴۲، ش۷۱۵ (موسی بن سعدان)، ص۲۴۲ش ۷۱۷ (موسی بن بکر)، ص۲۴۳، ش۷۱۸ (موسی بن القاسم)، ص۲۵۱، ش۷۵۹ (منخل بن جمیل)، ص۲۵۲، ش۷۶۴ (معمر بن خلاد)، ص۲۵۴، ش۷۷۳ (نصربن مزاحم)، ص۲۵۷، ش ۷۸۱ (وهب بن حفص)، ص۲۵۷، ش ۷۸۱ (هشام بن سالم)، ص۲۵۹، ش۷۸۴ (هارون بن الجهم)، ص۲۵۹، ش۷۸۵ (هارون بن مسلم)، ص۲۶۰، ش ۷۹۰ (یحیی بن عمران)، ص۲۶۶، ش۸۱۳ (یونس بن عبد الرحمن)، ص۲۶۷، ش۸۱۶ (یزید بن اسحاق)، ص۲۶۹، ش۸۲۹ (ابو داود المسترق)، ص۲۷۱، ش ۸۴۰ (ابو صباح الکنانی)، ص۲۷۱، ش ۸۴۱ (ابو ربیع الشامی)، ص۲۷۱، ش۸۴۲ (ابو الحسن اللیثی)، ص۲۷۲، ش۸۴۴ (ابو حمزه الغنوی)، ص۲۷۲، ش۸۴۵ (ابو بدر)، ص۲۸۱، ش۹۰۲ (الغفاری)، ص۲۸۱، ش۹۰۳ (الخیبری).

۱. شمار اندکی از این اسامی در دو کتاب مشترک هستند.

۲. به عنوان نمونه ر.ک: الاستبصار، ج ۱، ص۵۸، ۷۳، ۲۹۸؛ ج ۲، ص۶؛ ج ۴، ص۲۲۹، ۳۱۱، ۳۲۵، ۳۲۷ و...

۳. منهج المقال، ص۳۹۷.

استادانی داشته‌اند که در قدر و منزلت آنان سخن‌ها گفته، از آن‌ها اخبار فراوانی نقل کرده و در جای جای آثار مکتوب خویش از آن استادان با واژه‌های «رضی الله عنه» و «رحمه الله تعالی» یاد نموده‌اند. این سلسله از بزرگان حوزه حدیث از صاحبان وجاهت و موقعیت رفیع‌اند و کاملاً مورد اعتماد و بزرگوارند. به این جهت، تفاوت نمی‌کند که در کتاب‌های تراجم از آنان به عنوان «ثقه» نام ببرند یا نه. یکی از این محدثان، علی بن احمد بن ابی جید قمی است. نکته‌ای که یادآوری آن سودمند است این است که سند روایتی ابن ابی جید بهتر و عالی‌تر از سند شیخ مفید است؛ چون ابن ابی جید از استاد فقه و حدیث، محمّد بن حسن بن ولید قمی بدون واسطه خبر نقل می‌کند؛ در حالی که شیخ مفید به واسطه شیخ صدوق از ابن ولید روایت نقل می‌کند.[1]

محمّد بن حسن بن شهید ثانی (م ۱۰۳۰ ق) در کتاب إستقصاء الاعتبار فی شرح الإستبصار تصریح می‌کند که ظهور عملکرد علمای شیعه همواره بر اعتماد به ابن أبی جید بوده است و چرایی آن را اینگونه توصیف می‌کند« لأنّه من الشیوخ المعتبرین».[2]

شیخ حر عاملی(م۱۱۰۴ق) نیز درخاتمه وسائل الشیعة ـ فائده دوازدهم ـ می‌نویسد: «اصحاب حدیث روایات او را حسن و صحیح می‌دانند».[3]

همچنین ابوعلی حائری (م ۱۲۱۶ق) ضمن یادکرد سخنان محقق بحرانی بر وثاقت وی اینگونه تأکید می‌کند: «محقق بحرانی گوید: این که شیخ طوسی در کتاب رجال، فهرست و دو کتاب معروف حدیث خود ـ تهذیب الأحکام و الإستبصار ـ بسیار فراوان از او نقل می‌کند، نشانه وجاهت، عدالت، فضل و کمال این راوی و استاد حدیث است».[4]

محقق گرانمایه سیّد محسن امین نیز در اعیان الشیعه چنین می‌نگارد: «جای هیچ شک و شبهه‌ای در عظمت، جلالت و وجاهت ابن ابی جید قمی نیست؛ چون او یکی از استادان حوزه حدیث و اجازه شیعه است. این که دانشوران تراجم، به روشنی به وثاقت او اشاره نکرده‌اند، بدین لحاظ است که قدر و منزلت و بزرگواری او شهره آفاق و مقبول همه ترجمه‌نویسان بوده و قهراً نیازی نمی‌دیدند واژه وثاقت و وجاهت را برای وی بکار برند[5]

---

۱. الرواشح السماویه، ص ۱۷۰ و ۱۷۱.
۲. إستقصاء الاعتبار فی شرح الإستبصار، ج۷، ص۳۹۹.
۳. الفائدة الثانیة عشرة من خاتمة «وسائل الشیعة»، باب ما صدر بابن، ص۵۶۳.
۴. منتهی المقال فی أحوال الرجال، چاپ قدیم بدون شماره صفحه، کتابخانه مسجد اعظم قم.
۵. اعیان الشیعه، ج۸، ص ۱۶۰.

گذشته از سخن رجالیان متأخر، می‌توان دلایل و یا قراین دیگری را نیز برای توثیق ابن ابی جید در گستره توثیقات عام برشمرد. در ادامه به برخی از این قراین و دلایل اشاره خواهیم کرد:

۵ ـ ۱. قرینه اول. قاعده توثیق مشایخ نجاشی

قاعده توثیق مشایخ نجاشی از مشهورترین قواعد توثیقات عام است که پیشینه آن به آثار رجالی علامه حلی (م۷۲۶ق) بازمی‌گردد.[۱] رجالیان در پذیرش این قاعده هم‌داستان نیستند؛ برخی نظیر سیّد بحرالعلوم (م۱۲۱۲ق)، ضمن مستندسازی این قاعده دفاع جدی از این نظریه نموده و بر این باور است که می‌توان پذیرفت مشایخ حدیثی نجاشی ثقه هستند و او همواره ملتزم بوده است تا تنها از استادانی روایت کند که «ثقه» هستند. بحرالعلوم با تحلیل عبارات نجاشی درباره شماری از مشایخ، دلالت این عبارات بر منش همیشگی نجاشی را در نقل از مشایخ معتمد نه تنها ظاهر، بلکه صریح ارزیابی کرده است.[۲]

برخی از مستندات این نظریه تحلیل عبارات نجاشی در ذیل معرفی افرادی چون «جعفر بن محمّد بن مالک»،[۳] «ابوعبدالله احمد بن محمّد بن عبیدالله بن حسن بن عیاش»[۴] و «محمّد بن عبدالله بن محمّد ابوالمفضل شیبانی»[۵] است. نجاشی، در این مداخل، انتظار ندارد مشایخ بزرگ حدیث ـ که افرادی ثقه هستند ـ در نقل روایت، قواعد نقل را رعایت نکرده و از فرد «غیر ثقه» نقل حدیث کنند.

این نظریه نزد جمع قابل توجهی از رجالیان معاصر پذیرفته شده است. آیة الله خویی که بسیاری از قواعد توثیقات عام را نمی‌پذیرد و آن‌ها را تضعیف می‌کند، اما نظریه توثیق مشایخ نجاشی را پذیرفته است و به مستندسازی و تبیین آن روی آورده است.[۶]

ابن ابی جید از اساتید مسلّم شیخ نجاشی در حدیث است و ده‌ها اثر حدیثی را نجاشی از وی دریافت کرده است و بارها با ادات تحمّل «أخبرنا» شاگردی خود را در محضر وی اثبات کرده است. بنابراین، نظریه می‌توان به راحتی وثاقت ابن ابی جید را اثبات کرد. حضور

۱. خلاصة الاقوال، ص۱۹.
۲. رجال السید بحر العلوم، ج۲، ص۹۶-۹۹.
۳. رجال النجاشی، ج۱، ص۱۲۲.
۴. همان، ج۱، ص۸۵.
۵. همان، ج۱، ص۳۹۶، ش۱۰۵۹.
۶. معجم رجال الحدیث، ج۱، ص۵.

نقش‌آفرین وی در انتقال تراث به جناب نجاشی در بخش‌های پیشین این نوشتار تبیین شد. آیة الله خویی نیز برای توثیق وی از همین قاعده بهره برده و در مدخل مربوط به ایشان می‌نویسد:

> ابن ابی جید هم از مشایخ نجاشی است. بر این اساس، او فردی ثقه است.[1]

۵ ـ ۲. قرینه دوم. قاعده توثیق مشایخ اجازه

توثیق راویان و محدثانی که در شمار مشایخ اجازه حدیث هستند، از دیرباز معرکه‌آرای رجالیان بوده است. دست‌کم سه دیدگاه در مواجهه با این نظریه می‌شناسیم: شماری از پیشینیان، نظیر شهید ثانی[2] (م ۹۶۶ق)، محمّد پسر شیخ حسن[3] صاحب معالم (م ۱۰۳۰ق)، علامه مجلسی[4] (م ۱۱۱۰ق) محقق داماد[5] (م۱۳۸۸ق)، محقق بحرانی[6] (م ۱۱۸۶ق) و گروهی از فقها[7] باورمند به وثاقت مشایخ اجازه هستند. در مقابل، نظریه رقیب این دیدگاه را نپذیرفته و شیخ اجازه را بسانِ دیگر راویان نیازمند بررسی می‌داند. آیة الله خویی این دیدگاه را اختیار کرده است.[8] شماری از محققان، نظیر آیة الله سبحانی، قایل به تفصیل هستند.[9]

پیش‌تر گذشت که «ابن ابی جید» در طریق ده‌ها کتاب حدیثی (مشهور و غیر مشهور) بوده و آن‌ها را به دو شاگرد مبرّز خود (نجاشی و طوسی) اجازه داده است. بنابراین، او را باید در شمار مهم‌ترین مشایخ اجازه ارزیابی کرد که طریق اجازه نقل آثار مهم امامیه نقش‌آفرین بوده است. بر اساس دیدگاه باورمندان به توثیق مشایخ اجازه، می‌توان وثاقت ابن ابی جید را با تکیه بر این دیدگاه اثبات کرد.

نکته حایز اهمیت، آن است که با توجه به کثرت علمای شیعه در آن روزگار در بغداد، نجاشی و طوسی او را برای نقل کتب و روایات برگزیده‌اند و از مشایخ اجازه ایشان است و

---

۱. مرحوم خویی در همان، ج ۱۲، ص ۲۷۷، ش ۷۹۱۲، در ترجمه ابن ابی جید می‌فرماید: ثقة لأنّه من مشايخ النجاشی.
۲. الرعاية فی علم الدرايه، ص ۱۹۲.
۳. استقصاء الاعتبار، ج ۱، ص ۶۵.
۴. روضة المتقين، ج ۴، ص ۲۰۲؛ الوجيزة فی الرجال، ص ۴.
۵. الرواشح السماويه، ص ۱۷۹.
۶. معراج الكمال، ج ۱، ص ۶۴.
۷. مانند: شیخ بهایی در مشرق الشمسين، ص ۸۳؛ مامقانی در مقباس الهدايه، ج ۶، ص ۱۲۸؛ استرآبادی در منهج المقال، ص ۱۴۱.
۸. ر.ک: معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۷۲.
۹. ر.ک: كليات فی علم الرجال، ص ۳۴۲.

پس از مهاجرت او از قم، از محضر او بهره برده‌اند. خود این مطلب با توجه به موقعیت این دو نفر و آن روزگار بغداد قابل توجه و تأمل است.

علامه محمّد تقی مجلسی برای اثبات توثیق ابن ابی جید بر همین قاعده تکیه می‌کند و می‌نویسد:

و اعلم أن ابن أبي جيد لم ينص عليه بمدح و لا ذم، و لكن كان من مشايخ الإجازة للشيخ و اعتمد عليه لقرب الأسناد و كثيراً ما يروى عنه و يعد أكثر الأصحاب خبره صحيحاً لكونه من مشايخ الإجازة.[1]

در تأیید این دیدگاه می‌توان بر سخن علامه مجلسی پای فشرد که می‌گفت:

> بزرگانی همچون شیخ طوسی و علامه حلّی در هنگام مناقشه در اسناد، نسبت به صاحب کتاب و راویانِ قبل از صاحب کتاب مناقشه می‌کردند، اما نسبت به مشایخ خودشان و اوایل اسناد مناقشه نمی‌کردند. علت این امر آن بوده که عدالت و وثاقت مشایخ آن‌ها برای ایشان مشهور بوده و احتیاجی به مناقشه نداشته است.[2]

۵ ـ ۳. قرینه سوم. قاعده اکثار أجلاء

یکی از قواعد توثیقات عام را می‌توان فزونی نقل محدثان بزرگ شیعه (أجلاء) از یک راوی دانست. این قاعده ـ که با عنوان «اکثار اجلاء» شناخته شده است ـ مانند دیگر قواعد رجالی موافقان و مخالفانی دارد. پذیرش این دیدگاه در باره راویانی که فاقد توثیق و تضعیف هستند، سبب می‌شود از دایره مجهولان و مهملین به دایره معاریف و موثقین راه پیدا کنند.

ملاصدرا در فایده پنجم از شرح اصول کافی به این دیدگاه پرداخته است و با تکیه بر همین قاعده، وثاقت ابن ابی جید را اثبات کرده است.[3] وی بر این باور است که نقل قدمای اصحاب از یک راوی نوعی ذکر است و این کمتر از یادکرد راوی در کتاب‌های رجالی نیست. از سوی دیگر، کثرت نقل روایات توسط بزرگانی چون کلینی، صدوق، مفید و طوسی از اساتید خویش و عدم جرح این مشایخ در منابع رجالی می‌تواند نشان‌گر وثاقت این اساتید حدیث باشد؛ چنان‌که صاحب مُنتَقی الجُمان بر اساس برداشت از عبارت کشی در معرفی محمّد بن سنان، وی را به دلیل نقل اجلاء از او توثیق کرده است. ملاصدرا این دیدگاه را در

---

۱. روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، ج۱۴، ص۹۱.

۲. روضة المتقین، ج۴، ص۲۰۲.

۳. شرح أصول الکافی (صدرا)، ج۱، ص۱۳۵.

نقل روایت اجلاء از اصول و مصنفات نیز جاری می‌داند و بر این اساس تصریح می‌کند که افرادی چون ابوالحسین ابن ابی جید، احمد بن محمّد بن حسن ولید، احمد بن محمّد بن یحیی العطار و محمّد بن ماجیلویه توثیق می‌شوند.[1]

۵ ـ ۴. قرینه چهارم. روش فهرستی

گذشت که ابن ابی جید در انتقال تراث امامیه، به ویژه کتاب‌های مشهور، نقش مهم و پررنگی داشته است. براساس دیدگاه فهرستی، فردی که در طریق کتاب‌های مشهور است، بی‌نیاز از توثیق و تضعیف است و به سخن وی اعتماد می‌شود.[2] مبنای این نظریه امور متعددی است که خاستگاهش را باید در شیوه روایت کردن متقدمان جستجو کرد؛ به عنوان نمونه، شیخ طوسی در کتاب عدة الاصول[3] بر این باور است که منهج، مرام و مسلک اصحاب امامیه چنین بوده است که وقتی مدرک فتاوایی را از صاحب فتوایی می‌پرسیدند و او در پاسخ، دلیل خود را برخاسته از کتابی معروف یا اصلی مشهور، با ذکر مصدر، بیان می‌کرد و راوی آن ثقه بود و حدیث او منکر محسوب نمی‌شد، فتوای وی معتبر دانسته می‌شد و سخن او پذیرفته می‌شد. این منش از عصر حضور پیوسته بین طایفه امامیه معهود بود و عالمان یکی از ملاک‌های عمل به اخبار را وجود روایت در کتاب‌های معروف و مشهور می‌دانستند.

مصداق این دیدگاه شیخ طوسی را می‌توان در سخنان ابن غضایری، ذیل عنوان حسن بن محمّد بن یحیی مشاهده کرد. او حسن بن محمّد را فردی کذاب و وضاع حدیث می‌داند و نقل روایات وی را سبب پذیرش و آسودگی شنونده نمی‌داند، مگر مواردی که از کتاب‌های جدش نقل می‌کند.[4] ابن غضایری دلیل این پذیرش را شهرت این کتاب‌ها برمی‌شمارد. وی همین دلیل را برای پذیرش روایات «سهل بن احمد» و «حسن بن اسد طفاوی» درست می‌داند.[5]

همچنین علامه حلی درباره «احمد بن هلال عبرتایی» نیز می‌گوید:

---

۱. همان.
۲. رجال النجاشی با تحقیق و تعلیق استاد محمّد باقر ملکیان، ص ۱۱.
۳. عدة الاصول، ج ۱، ص ۱۲۶ – ۱۲۷.
۴. مجمع الرجال، ج ۲، ص ۱۵۴.
۵. همان، ج ۲، ص ۹۸؛ ج ۳، ص ۱۷۷.

> ابن غضایری در احادیث او توقف کرده است، مگر مواردی که احمد از «حسن بن محبوب» از کتاب مشیخه و یا از «ابن ابی عمیر» از نوادرش نقل کند؛ چراکه اکثر اصحاب احادیث، این دو کتاب (مشیخه و نوادر) را سماع کرده و به آن اعتماد دارند.[1]

بنابراین، دو کتاب یاد شده چون مشهور هستند، روایات «احمد بن هلال» از آن‌ها پذیرفته است.

از این رو، می‌توان دریافت که اگر راوی ضعیف، فاسدالمذهب و حتی وَضّاع هم باشد، هنگامی که از کتاب‌های مشهور نقل می‌کند، روایتش پذیرفته است.

برای دست‌یابی به این گونه نکات، شایسته است به منابع فهرستی (فهارس نجاشی و طوسی) مراجعه کرد و کتاب‌های مشهور از غیر مشهور و راویان آن‌ها را بازشناسی کرد. در ابتدای این مقاله بیان شد که ابن ابی جید راوی کتاب‌های مشهور سی و چهار راوی و ده‌ها کتاب حدیثی غیر مشهور است. بر اساس دیدگاه فهرستی، شخصیت ابن ابی جید قمی ـ که در انتقال این کتاب‌ها و اصول نقش مهمی داشته است ـ اساساً در کتاب‌ها و اصول مشهور نیازی به بررسی ندارد و نداشتن توثیق خاص، به احادیث وی در این گونه کتاب‌ها آسیبی نمی‌رساند.

همچنین می‌توان اعتماد دائمی و پیوسته دو شخصیت بزرگ سده پنجم در عرصه کتاب‌شناسی (نجاشی و طوسی) را به ابن ابی جید قرینه‌ای بر وثاقت و اعتبار وی دانست.

۵ ـ ۵. قرینه پنجم. شهرت

گمانه‌ای بر این استوار است که سبب عدم توثیق برخی از افراد در کتب رجالی، «شهرت» ایشان بوده است. این گمانه به گونه‌ای در مقام تبیین و تحلیل چرایی عدم یادکرد مشاهیر در منابع رجالی است. به بیان دیگر، وثاقتِ راویانِ مشهور نزد نویسنده کتاب رجالی آشکار بوده و آن‌ها در تصریح به وثاقت ایشان ضرورتی نمی‌دیدند. شهید ثانی در کتاب الدرایه می‌نویسد:

> عدالت راوی با تصریح دو نفر عادل یا استفاضه در نقل از او شناخته می‌شود؛ مانند مشایخ گذشته ما از زمان کلینی تا زمان ما که درباره بسیاری از اساتید، هر چند تصریح بر پاکی یا وثاثت آنان نیست، ولی شهرت آنان در هر عصری که می‌زیستند، دلیل محکمی بر عدالت ووثاقت و ضبط آنان است.

همان طور که از این عبارت روشن بر می‌آید، شهید ثانی معتقد است که مشایخ شیعیان

---

۱. خلاصة الاقوال، ص۲۰۲، ش۶.

از زمان کلینی تا زمان او احتیاجی به تنصیص عدالت و شهادت علما ندارند؛ زیرا ایشان در هر زمانی بروثاقت و ورع شهرت داشته‌اند.

همچنین نزدیک به این دلیل را صاحب معالم در فواید منتقی الجمان ذکر کرده است.[1]

با تأملی در شیوه اجازه نقل روایت و یا کتاب‌های روایی در طرق تحمل حدیث، می‌توان دریافت شخصیتی که در انتقال چند صد کتاب حدیث نقش دارد، نمی‌تواند فردی گمنام و ناشناس باشد؛ به ویژه آن‌که شاگردانی چون نجاشی و طوسی این آثار را از وی دریافت کرده باشند.

بر پایه آنچه در عبارت آمد، می‌توان شهیر بودن ابن ابی جید را دلیلی بر آن دانست که رجالیان نیازی به توثیق وی نمی‌دیدند.

۶. جمع‌بندی

در نوشتار حاضر، ضمن بازکاوی شخصیت «ابن ابی جِید»، و بَرشمردن نقش فهرستی وی با بیان ادله توثیق عام و نظرگاه فهرستی سعی در توثیق وی صورت پذیرفت.

شمار قابل توجهی از کتاب‌های حدیثی شیعه توسط علی بن احمد بن محمّد بن طاهر اشعری مشهور به ابن ابی جید قمی به فهارس‌نگاران منتقل شده است.

در بازخوانی دقیق محقق این نوشتار از دو کتاب فهرست تمام اسامی کتاب‌ها استخراج شد و سپس کتاب‌های مشهور از غیرمشهور تفکیک شد و نام ابن ابی جید در انتقال کتاب‌های یکصد و سی و شش نویسنده در دو کتاب رجال النجاشی(۳۲ نفر) و فهرست الطوسی (۱۰۴ نفر) آمده بود.

نام ابن ابی جید در طریق کتاب‌های مشهور سی و چهار نویسنده به چشم می‌خورد. از این تعداد، آثار مشهور دوازده راوی در رجال النجاشی است، نجاشی تمام کتاب‌های این مؤلفان را از استادش «ابن ابی جید» شنیده است.

شیخ طوسی نیز از کتاب‌های بیست و دو نفر از محدثان یاد کرده است که بر اساس معیار گفته شده در تحقیق از کتاب‌های مشهور در دوره متقدمان به شمار می‌آمده‌اند. در طریق شیخ طوسی به تمام این کتاب‌ها نام استادش «ابن ابی جید» به چشم می‌خورد. با توجه به این‌که برخی از نویسندگان فوق مؤلف ده‌ها اثر حدیثی هستند، می‌توان مدعی شد که ابن ابی جید در طریق ده‌ها کتاب مشهور (افزون بر دویست اثر مشهور) قرار داشته است.

---

۱. منتقی الجمان، ج ۱، ص ۳۹ - ۴۰.

ابن ابی جید در طریق کتاب‌های غیر مشهور، حضور فعال‌تری دارد؛ گویی وی پیوسته علاقه‌مند سماع، قرائت و اجازه آثار مکتوب پیشینیان بوده است. تلاش در این عرصه، بزرگانی چون نجاشی و طوسی را برآن داشته است که بهترین اسناد به کتب پیشینیان را از وی دریافت کنند.

با توجه به این‌که برخی از نویسندگان فوق مؤلف ده‌ها اثر حدیثی هستند، می‌توان مدعی شد که ابن ابی جید در طریق ده‌ها کتاب مشهور ـ افزون بر دویست اثر مشهور ـ قرار داشته است.

اگر چه در جای جای دو کتاب فهرست نجاشی و شیخ طوسی نام «ابن ابی جید» در سلسله طرق کتاب‌های حدیثی به چشم می‌خورد، اما با کمال تأسف مدخلی درباره وی در این کتاب‌ها دیده نمی‌شود. عدم یادکرد از وی در کتاب‌های فهارس شاید از آن رو باشد که وی نویسنده نبوده است و تنها به عنوان راوی آثار پیشینیان به شمار می‌آمده است؛ اما در منابع رجالی کهن توثیق و یا یادکردی به عنوان یک مدخل دیده نمی‌شود.

خوشبختانه شماری از رجالیان متأخر، مانند فاضل استرآبادی، ابوعلی حائری، محقق بحرانی، میرداماد، عبدالله مامقانی، سیدمحسن امین، علامه حلی و دیگران از وی به بزرگی یاد کرده و ابن ابی جید را توثیق کرده‌اند؛ اما مستندی برای این توثیقات ارائه نکرده‌اند. به نظر می‌رسد که از راه گردآوری قرین و توثیقات عام پی به توثیق وی برده‌اند.

گذشته از سخن رجالیان متأخر، می‌توان دلایل و یا قراین دیگری را نیز برای توثیق ابن ابی جید در گستره توثیقات عام برشمرد که به برخی از این قرین و دلایل اشاره کردیم که عبارت بودند از: قاعده توثیق مشایخ نجاشی، قاعده توثیق مشایخ اجازه، شهرت و روش فهرستی. در توضیح روش فهرستی گذشت که ابن ابی جید در انتقال تراث امامیه، به ویژه کتاب‌های مشهور، نقش مهم و پررنگی داشته است. بر اساس دیدگاه فهرستی، فردی که در طریق کتاب‌های مشهور است، بی‌نیاز از توثیق و تضعیف است و به سخن وی اعتماد می‌شود. مبنای این نظریه امور متعددی است که خاستگاهش را باید در شیوه روایت کردن متقدمان جستجو کرد.

کتابنامه

اعیان الشیعه، سیّد محسن امین، حسن الامین، بی‌جا، ۱۳۷۱ش.
تنقیح المقال، عبد الله مامقانی، قم: مؤسسه آل البیت، بی‌تا.

تهذیب الاحکام، محمّد بن حسن طوسی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چهارم، ۱۴۰۷ق.
تهذیب المقال، موحد ابطحی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
خلاصة الاقوال، العلامه الحلی، قم: دارالذخائر، ۱۴۱۱ق.
رجال الطوسی، محمّد بن حسن طوسی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، اول، ۱۴۱۵ق.
رجال الکشی، محمّد بن عمر کشی، مشهد: مؤسسه نشر در دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ش.
رجال النجاشی، احمد بن علی النجاشی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ق.
رجال النجاشی، تحقیق و تعلیق: محمّد باقر ملکیان، قم: انتشارات بوستان کتاب، اول، ۱۳۹۴ش.
الرواشح السماویه، میرداماد، قم: کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی، بی‌تا.
روضة المتقین، محمّد تقی مجلسی، تهران: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، ۱۴۰۶ق.
ریحانة الادب، مدرس تبریزی، تهران: کتاب‌فروشی خیام، سوم، ۱۴۱۱ق.
الرعایة فی علم الدرایه، شهید ثانی، تحقیق: عبد الحسین محمّد علی بقال، قم: مکتبه المرعشی العامه، ۱۴۰۸ق.
سماء المقال، کلباسی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
طبقات الفقهاء، ابراهیم شیرازی، بیروت: دارالرائد العربی، اول، ۱۳۹۰ش.
عدة الاصول، محمّد بن الحسن طوسی، تحقیق: محمّد رضا انصاری، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
الفوائد الرجالیه، سیّد مهدی بحرالعلوم، تهران: مکتبه الصادق، اول، ۱۴۰۵ق.
الفوائد الرجالیه، محمّد خواجویی، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه، اول، ۱۴۱۳ق.
الفهرست، محمّد بن حسن طوسی، النجف: المکتبة الرضویه، بی‌تا.
قاموس الرجال، محمّد تقی شوشتری، قم: دفتر انتشارات اسلامی، دوم، ۱۴۱۰ق.
الکافی، محمّد بن یعقوب کلینی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چهارم، ۱۴۰۷ق.
کلیات فی علم الاصول، جعفر سبحانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، بی‌تا.
مصباح المتهجد، محمّد بن حسن طوسی، بیروت: مؤسسه فقه الشیعه، اول، ۱۴۱۱ق.
معجم رجال الحدیث، سیّد ابوالقاسم خویی، بی‌جا، مؤسسه احیاء آثار امام خوئی، بی‌تا.
وسائل الشیعه، محمّد بن حسن بن علی حرّ عاملی، تصحیح: گروه پژوهش مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، قم: مؤسسه آل البیت علیهم‌السلام، اول، ۱۴۰۹ق.

منتقــی الجمــان، حسـن بـن زیـن الـدین، تصـحیح: علـی اکبـر غفـاری، قـم: مؤسسـه النشـر الاسلامی، ۱۴۰۳ق.
منتهی المقال، محمّد بن اسماعیل مازندرانی، قم، بی‌نا، ۱۴۱۶ق.
من لا یحضره الفقیـه، محمّـد بـن علـی بـن بابویـه صـدوق، قـم: دفتـر انتشـارات اسـلامی، دوم، ۱۴۱۳ق.
منهج المقال، محمّد استرآبادی، قم: مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، ۱۴۲۲ق.